



کارگران جهان متحد شوید!

نیمه اول مرداد ۱۳۸۳ - جولای ۲۰۰۴

شماره ۵۷

نشریه سیاسی - خبری سازمان اتحاد فدائیان کمونیست

قطعنامه پنوم بیستم شورای مرکزی اتحاد فدائیان کمونیست

قطعنامه پنوم بیستم شورای مرکزی اتحاد فدائیان کمونیست منعقد در اول خرداد ماه ۱۳۸۳ پیرامون ستم ملی و مبارزه برای حق تعیین سرنوشت ملل و مابانی، همکاریها، اتحاد عملها و اتحادهای پایدار با احزاب، جریانات و جنبشهای محلی.

نظر باینکه: ایران کشوریست کثیرالمله و طبقه کارگر و زحمتکشان ملیتهای مختلف مشترکاً در زنجیر اسارت طبقات ارتجاعی حاکم به سر برده و اکثریت محروم مردم در چهارگوشه ایران علاوه بر تحمل استثمار و

بقیه در صفحه ۲

چرا دین، افیون توده هاست؟

فرهاد عرفانی - مزدک

اغلب شما این جمله معروف را شنیده اید که: ((دین، افیون توده هاست))، اما شاید کمتر اتفاق افتاده است که با مطلبی پیرامون چرایی چنین ادعائی برخورد کرده باشید. از این دیدگاه، علت روشن است: از آنجا که دین، اعتقاد دینی، و همچنین ساختار نظری انواع آن مستقیم و غیر مستقیم، در خدمت انواع حکومتهای غیر مردمی، در طی تاریخ بوده است، طبیعی به نظر می رسد که علاوه بر اینکه در جهت تشریح چنین ادعائی ((دین، افیون توده هاست))، و یا شبیه آن، تلاشی صورت نپذیرد، که به انواع طرق، جلوی طرح و بسط چنین نظریه ای گرفته شده، و به طریق اولی، با مبلغین و مروجین آن نیز، برخورد خشن و قهرآمیز صورت پذیرد.

بقیه در صفحه ۲

در صفحات بعد:

صفحه ۳

نامه سرکشاده وکلای بدون مرز

صفحه ۴

خلاصه ای از مطالب ریگای که ل

صفحه ۵

از زندانیان حمایت کنید!

صفحه ۶

بیانیته شماره سه زندانیان اعتصابی اوین

صفحه ۶

پیام شماره ۲ کمیته هماهنگی...

صفحه ۷

خبرها

صفحه ۸

کدامین دل کند باور ...

دروصل عشق جانان، گرعاشقیست صادق درروز تیرباران، هرگز که سرنخارد!

اعتصاب غذای زندانیان سیاسی زندان اوین در حال گذراندن سومین هفته خود است. اعتصاب غذای زندانیان سیاسی زندان اوین که از روز ۱۴ تیر که به مناسبت سالگرد ۱۸ تیر و به یاد مبارزین، جان باختگان، شکنجه شدگان این حرکت رادیکال و انقلابی و در اعتراض به تعرض وحشیانه ماموران رژیم به خانواده پیمان پیران آغاز شده است، تا این تاریخ همچنان ادامه دارد. طی این مدت خبرهای ضد و نقیض و اعلامیه ها و بیانیه های موهومی نیز درباره این اعتصاب غذا و وضعیت و موقعیت اعتصاب کنندگان منتشر شده است. اینکه وضعیت جسمی، روحی، واقعی هریک از زندانیان اعتصاب کننده چگونه است و دارای چه موضعی هستند و روابط و مناسبات فیما بین شان به چه ترتیب است، هنوز اخبار موقتی و قابل انکاپی از سوی خود زندانیان به بیرون درز نکرده است. ولی از اعلامیه های عمدتاً فاقد امضا و موهن چنین برمی آید که رژیم در پی سرکوب حرکت های دانشجویی و بویژه سرمست از موقعیت ضعیف اعتراضات دانشجویی در سالگرد ۱۸ تیر، بر آن است تا این اقدام اعتراضی زندانیان سیاسی را نیز به نحوی منکوب کرده و صدای اعتراضی آنها را در گلو خفه کند. چرا که این اقدام زندانیان سیاسی و تداوم آن وانعکاس وسیع اش در رسانه های گروهی جهان تا حدودی تبلیغات رژیم مبنی بر ((پایان یافتن مساله ۱۸ تیر))، حمله به خوابگاه ها، ضرب و شتم دانشجویان، و قتل های زنجیره ای و غیره را خنثی میگرد. صدور این اعلامیه ها مبین این واقعیت نیز هست که رژیم درصدد است با تشدید فشار به زندانیان و با کاربست انواع روش های سرکوبگرانه و حمله گرانه، دستگاه توپ سازی خود را روشن کاری کرده و اعتبار و حیثیت مبارزین را در جامعه بویژه در بین نسل جوان دانشجویان و دانش آموزان به زیر سوال برده و آنها را از شرکت در مبارزه مایوس نماید.

اما بر خلاف تحلیل ها و جهت گیریهای نئورئیسین های رژیم، این ترغیب ها مدتهاست که کارآیی خود را از دست داده است. به فرض موفقیت رژیم در ایجاد اختلاف بین زندانیان سیاسی و حتی کشاندن برخی از آنها به پای مصالحه های آنچنانی، تأثیری در تداوم و تشدید مبارزه توده های کارگر و زحمتکش و دانشجویان و جوانان بر علیه مافیای قدرت و ثروت و دولت ارتجاعی و مذهبی آن نخواهد داشت. خشم و نفرت بی پایان مردمی که زیر سرنیزه صاحبان قدرت و ثروت و مافیای مالی و نظامی حاکم بر کشور، از هستی ساقط شده اند. آنها را بیش از پیش برای مبارزه با عوامل ابدار خود آگاه تر و با تجربه تر خواهد کرد. از شکست های موقتی درس خواهند گرفت با تداوم اعتصابات و اعتراضات مداوم خود آگاه تر و متشکلاتر خواهند شد. تردیدی نیست که این رژیم سرنگون خواهد شد، تردیدی نیست که مردم به ماهیت ضد انسانی و غارتگر صاحبان سرمایه و ثروت که در سایه سرنیزه رژیم با بیرحمی غیر قابل تصویری مشغول مکیدن خون مردم هستند، آگاه و آگاه تر خواهند شد. ماهیت افراد و جریانات ارتجاعی، فرصت طلب را باز خواهند شناخت، به وجود (اسب تروا)) های صاحبان قدرت و ثروت در مبارزه شان و در صفوف خود پی خواهند برد. تا بار دیگر نتیجه مبارزات، جانفشانیها و انقلابات شان توسط همین صاحبان ثروت و قدرت به یغما نرود، این راه پر پیچ

بقیه در صفحه ۲

کار، مسکن، آزادی، جمهوری فدراتیو شورایی!

دروصل عشق جانان ...

بقیه از صفحه اول

و خم و دشوار با شکست و پیروزی و جانفشانی، مقاومت توام بوده خواهد بود تا سرانجام دیو ارتجاع به زیر کشیده شود .

تاریخ مبارزات آزادیخواهانه و برابری طلبانه در کشور ما همیشه با مقاومت بی نظیر زندانیان سیاسی و رنج و شکنج انسانهای انقلابی توام بوده است و در کنار این قهرمانان مقاومت، بودند افراد و عناصری که تاب تحمل این دوران های سخت را نیاوردند و عوامل سرکوب از ضعف و سستی آنها برای ارباب جامعه و سرکوب زندانیان مقاوم استفاده کرد. آنها چه به اجبار و به زور شکنجه های روحی و جسمی و چه بواسطه سست بودن پایه اعتقاداتشان ، آلت دست شکنجه گران و سازندگان برنامه هایی همچون «عبرت» شدند. اما این همه بهیچیت برای رژیم و ترتیب دهندگان آنها جز رسوایی بار نیامورد . بمصداق این شعر که «درواه وصل جانان گر عاشقیست صادق در روز تیرباران هرگز که سر نخارد!» اگر مبارزین راه آزادی و زندانیان سیاسی از مبارزات واقعی طبقه کارگر و توده های زحمتکش مردم برای آزادی و برابری الهام گرفته باشند دوست و دشمن آزادی و برابری را بشناسند و به ماهیت نظام ارتجاعی حاکم و طبقه در قدرت ، معروف به مافیای قدرت و ثروت پی برده باشند، ترفند های رژیم و سیاست سرکوبگرانه آن کاری از پیش نخواهد برد. ما در این روزهای حساس و سخت ، زندانیان سیاسی اعتصابی را به هشیاری در برابر ترفند های رژیم و مقاومت و پایداری در راه رسیدن به خواست هایشان فرا میخوانیم و همه شکل ها و انسانهای آزادیخواه و انقلابی و مترقی را به پشتیبانی از این زندانیان دعوت میکنیم . تردیدی نداریم که اقدامات فریبکارانه و سرکوبگرانه رژیم جز رسوایی بیشتر برای آنها نتیجه دیگری دربر نخواهد داشت.

قطعنامه پلنوم بیستم ...

بقیه از صفحه اول

بی حقوقی، از ستم ملی و فرهنگی و جنسی نیز رنج می برند. نظر باینکه : رفع ستم ملی و بدست آوردن حق تعیین سرنوشت یکی از مهمترین خواست های عمیقاً دموکراتیک و انقلابی توده های مردم زحمتکش و تحت ستم ملل محسوب میگردد .

نظرباینکه : ده ها سال است که مبارزه ملل تحت ستم ایران برای بدست آوردن حق تعیین سرنوشت خود، زیر سرنیزه قدرت مرکزی به نمایندگی از ارتجاعی ترین بخش بورژوازی حاکم سرکوب شده است و با دردست جریانات اجتماعی فرصت طلب و غیرانقلابی قربانی دسیسه های امپریالیسم و طبقات ارتجاعی حاکم گردیده و از مسیر واقعی خود منحرف و به شکست کشانده شده است .

نظر باینکه : طبقه کارگر و سازمان اتحاد فدائیان کمونیست بعنوان یک سازمان کارگری و سراسری هیچگونه نقعی در تداوم ستم ملی نداشته و هیچگونه مرزی جز انسان و آزادی و حاکمیت وی بر سرنوشت خویش را در جامعه ای آزاد و بری از ستم و استثمار و زور و سرکوب ، به رسمیت نمیشناسد و وجود ستم ملی همچون دیگر ستم های رایج در نظام سرمایه داری و ارتجاعی و سرکوبگر حاکم بر ایران مانع مهمی در جهت مبارزه سوسیالیستی طبقه کارگر برای رسیدن به چنین جامعه ای محسوب میگردد .

نظر به ضرورت تاریخی مبارزه علیه هر گونه جلوه ای از شوونیسم و ناسیونالیسم افراطی و گسترش همکاری بین جریانات مدافع آزادی برابری و رفع ستم ملی در میان کارگران و زحمتکش ملل تحت ستم و بمنظور برداشتن قدمهای عملی در راه تحقق شعار حق تعیین سرنوشت و سایر مطالبات انقلابی دموکراتیک و برابری طلبانه خلفهای زحمتکش میلیتهای تحت ستم .

شورای مرکزی سا زمان اتحاد فدائیان کمونیست در پلنوم بیستم خود منعقد در تاریخ اول خرداد ماه ۱۳۸۳ در چهارچوب مواضع برنامه ای خود سه محور اصلی مبارزه برای نابودی ستم ملی ، ستم جنسی و ستم طبقاتی ، را بعنوان مبانی اصولی و اولیه هرگونه همکاری ، اتحاد عمل ، و اتحاد های پایدار و موردی با جریانات محلی تعیین نمود.

مبارزه بر علیه ستم ملی ، جنسی و طبقاتی ، سه شعار اصولی و انعکاس خواست ها و مطالبات سرکوب شده و تاریخی توده های زحمتکش خلفهای تحت ستم ایران است که در عین حال اتحاد اجتماعی طبقه کارگر و توده های زحمتکش ملل تحت ستم علیه نظام ارتجاعی و سرکوبگر حاکم را تأمین میکند سازمان و ارگانهای محلی آن با مبنا قرار دادن این سه محور (رفع ستم ملی ، جنسی و طبقاتی) میتواند با احزاب ، جریانات و جنبش های محلی برای هرگونه همکاری و اتحاد عمل وارد گفتگو شوند. معیار ما در تنظیم مناسبات و برخورد با این جریانات را میزان دوری و نزدیکی آنها به محوای اجتماعی شعارهای فوق تعیین میکند.

پلنوم بیستم شورای مرکزی اتحاد فدائیان کمونیست دوم خرداد ماه ۱۳۸۳

چرا دین، افیون توده هاست؟

بقیه از صفحه اول

و اما چرا ((دین، افیون توده هاست؟))، و چرا حکومتهای طبقاتی، علاوه بر اینکه با آن مقابله نمیکند، که حتی به بسط و گسترش آن اهتمام میورزند، و حتی بطور رسمی، بخشی از امر آموزش ، تقریباً در همه کشورهای جهان است؟ ((دین)) آن چیزی است که در این نوشتار تلاش میکنیم به آن بپردازیم.

پذیرش دین، به عنوان اعتقاد به ماورا الطبیعه، اولین کاری که با انسان میکنند، این است که رابطه وی را با واقعیت قطع میکنند. یا به تعبیری، مرز بین واقعیت و تخیل، و واقعیت و ذهنیت را خودش کرده، این دو را در هم می آمیزد.

یک انسان متدین، همواره در جهان برزخی، و غیر قابل تفکیک، به سر میرد. او قادر نیست توهم را از واقعیت تمیز دهد (و به قول تسلیمه نسرین، نویسنده بنگلادشی، تعادل تشخیصی را از دست میدهد)، و درست بر همین اساس نیز قادر نخواهد بود به حقیقت جهان پیرامون خود آگاه شود. چرا که کشف حقایق، چه نظری، و چه علمی و تجربی، جز از طریق شناخت واقعیت پدیده ها، آنگونه که تصور می شوند، قابل دست یافت نیست!

پذیرش دین، بمثابة پذیرش تسلط پدیده ای تخیلی ((خدا))، بر همه هستی و دگرگونی های آن است، بدون اینکه کوچکترین دلیلی عقلی بر آن اقامه شود! (۱) حواله دادن همه علتها به پدیده ای است که، هیچ علتی بر آن اقامه نمی شود. آن را دارای هستی میدانند، و جزئی از هستیش می خوانند، بدون اینکه پاسخی برای این پرسش بزرگ داشته باشند که: چگونه جزئی از هستی، قادر به خلق آن هستی ای می تواند باشد که خود وی را در بر گرفته است؟ (۲).

همانگونه که میدانیم ((نیستی)) مفهومی برای درک هستی است، و به طریق عقلی، ((نیستی)) وجود خارجی ندارد!! به تعبیری ساده تر، آنچه خارج از ذهنیت انسان وجود دارد، در هر بعدی، که قابل تصور باشد، هستی محض است، و چنین هستی ای، چه ابعادش بر ما مکشوف باشد، و چه نباشد، چه بسیط باشد، چه مرکب، چه تکثیر شود، و یا تفریق، چه تکامل یابد، و یا تحلیل رود، و وجودش،

بقیه در صفحه بعد

کارگران جهان متحد شوید! Workers of the world unite!

چرا دین، افسیون توده هاست؟

بقیه از صفحه قبل

منوط به وجود ما، و کشف و تأیید و تکذیب ما، نیست!! منظور از مادی بودن هستی نیز همین است، بنا بر این، هر چه در این گسترده هستیست، مشمول قوانین حاکم بر ماده، در همین تعریف فلسفی است.

((خدا)) پاسخ ذهن ساده انگار، به عجز وی در برابر گسترده بی نهایت هستی، و احساس حقارت چنین ذهنی، و عجز او در تلاش برای کشف واقعیت، و به طریق اولی، ((حقیقت)) است! کلیدیست که به همه قلها می خورد، و ذهنیت تنبل را، به سهولت ارضا میکند. ((خدا))، پاسخ انسان ضعیفست که شهامت ابراز ((نمیدانم! ولی تلاش خواهم کرد تا بدانم)) را ندارد!

بر این اساس، انسان متدین، با تسلیم شدن به چیزی که نمیداند چیست، در اصل، تسلیم شدن به گسترهٔ تخیل، یا هماره در حال فرار از واقعیت است، و یا اگر مجبور به پذیرش واقعیت گردد، آن را با تخیلات بیمارگونه، در هم آمیخته، رابطهٔ خود را با جهان هستی واقعی، مخدوش میکند، دقیقاً همان کاری که یک مادهٔ مخدر با مغز انسان میکند! یعنی توان حرکت پویایی، تدقیق نظری، شناخت و تنظیم پروسه ها، ساماندهی واقعیات، برنامه ریزی و تلاش برای کشف حقایق را، از انسان گرفته، و او را تبدیل به طفیلی و بازیچهٔ نظامها، و ساختار حاکم میسازد. چنین انسانی، نشئهٔ تخیلات خویش است، و لذت چنین خلسه ای را، با هیچ واقعیت تلخی، عوض نمیکند! او، در عالم خیال، به مکاشفه میپردازد، و درست بر همین اساس، از دیدن واقعیت باز میماند، و طبیعتاً، قادر به کشف حقایق نیز نیست. درست به مانند کسی که از مادهٔ مخدر استفاده کرده است، تصورات خود را به جای واقعیت مینشاند، و آنگاه، بر اساس این واقعیت معکوس و مجازی، دن کیشوت وار، به جنگ واقعیت بیرونی میروند. چنین نشئه ای هم قادر است، بخوبی، در خدمت فاجعه آفرینان قرار گیرد. یک انسان متدین، درست به مانند یک بیمار اسکیزوفرن، که هر چه در توهمات خود بیشتر غرق میشود، تخیل خود را عینی تر تصور میکند، با هر چه بیشتر میدان دادن به تصورات خویش، از جهان واقعی بیشتر فاصله گرفته، در اوهام خود غرق میگردد، عینیت معکوس خود را، عینیت واقعی میندازد و بر این اساس، متعصب و غیر قابل انعطاف است. به سهولت بازی میخورد، بدین دلیل که با مکانیسمهای واقعی سر و کار ندارد. قادر به تشخیص ارزشها، و ایجاد هنجارهای نوین نیست، چراکه یکبار و برای همیشه، ارزشهای او در عالم توهم، پیشاپیش، تعریف شده اند. او انسان مفلوکی است که، هرگز، قادر به تشخیص میزان فلاکت خود نیست، چراکه فلاکت، امری واقعیتست، و او در عالم توهم است!

۱_ علت اصلی پدیدهٔ ((خردستیزی و عقل گریزی)) در همهٔ ادیان نیز، دقیقاً، نهفته در همین نکته است که با پذیرش اصل استدلال بر مبنای واقعیت مادی، و نه تکیه بر مفاهیم مجرد و ذهنی، بنیان همهٔ فلسفهٔ ایشان بر باد میروند. هم از این روست که آنها پای استدلالیون را چوبی دانسته، به ادراک قلبی! و حسی و مکاشفه در عالم هیروت پناه میبرند.

۲_ اگر هم قرار باشد چیزی ((قدیم)) باشد، جز همین هستی نمیتواند باشد، که بر اساس قوانین علمی، نه خلق شدنی است و نه از بین رفتنی!

نامه سرکشادهٔ وکلای بدون مرز

وزیر امور خارجهٔ سوئد خانم Laila Freivalds، از ۴ جولای تاکنون گروهی از زندانیان سیاسی در زندان اوین تهران، در اعتصاب غذا بسر میبرند. یکی از اعتصاب کنندگان دکتر ناصر زرافشان، وکیل و نویسنده است. دیگر اعتصاب کنندگان میتوان از فعالین دانشجویی و دگراندیشانی چون دکتر فرزاد حمیدی، احمد باطبی، پیمان پیران، رضا شریعت پناه و غلامحسین کلیب نام برد. ناصر زرافشان به عنوان وکیل خانواده های قربانیان قتلهای زنجیره ای از سال ۱۹۹۸، مسئولیت رسیدگی به پروندهٔ این جنایات که بنا بر آن چند تن از روشنفکران به قتل رسیدند را بر نشان از حضور ردپای مقامات بالای عهده گرفت. ناصر زرافشان مدعی گشت که پیگیریهای وی حکومتی در این قتلها دارد. در حدود ۲ سال و نیم پیش ناصر زرافشان متهم به فعالیتهای ضد دولتی و به دادگاه فراخوانده شد. محاکمه توسط یک دادگاه نظامی بدون حضور هیچ ناظری برپا گشت و او در ۱۹ مارس ۲۰۰۲ به پنج سال زندان و ۵۰ ضربه شلاق محکوم شد. به رغم شکایت از این حکم، زرافشان در ۸ آگوست ۲۰۰۲ دستگیر شد و از آن پس در زندان بسر میبرد. به یمن تلاش مجامع بین المللی و داخلی هنوز حکم ضربه های شلاق بر بدن او به اجرا در نیامده است. تعداد دیگری از اعتصاب کنندگان نیز از فعالین اعتراضات دانشجویی ۹ جولای ۱۹۹۹ هستند که هرگز از محاکمه عادلانه ای برخوردار نشده اند. اعتصاب غذا در رابطه با سالگرد حملهٔ خشونت آمیز به خوابگاه دانشجویی در دانشگاه تهران و حوادث پس از آن در ۹ جولای ۱۹۹۹ (که در پی آن دانشجویان مورد ضرب و شتم قرار گرفته و تعدادی دستگیر و زندانی شده و برخی نیز به قتل رسیده اند) آغاز گشت. زندانیان اعتصابی خواستار محاکمه عوامل جنایات کوی دانشگاه و همچنین آزادی زندانیان سیاسی در ایران هستند. تعدادی از زندانیان سیاسی در حدود سه هفته است که در اعتصاب غذا بسر برده و با خطر جدی سلامتی خویش روبرویند. حال برخی از آنان به وخامت گرایده است و به بهداری زندان اوین منتقل گشته اند. مقامات حکومتی ایران به خواست اعتصاب کنندگان با بی اعتنائی کامل برخورد میکنند. ما از وزیر امور خارجه میخواهیم که دولت سوئد از زندانیان سیاسی حمایت کرده و رسماً نسبت به وضعیت آنان ابراز نگرانی کند. ما همچنین خواهان آن هستیم که دولت سوئد از نفوذ خود در اتحادیهٔ اروپا و سازمان ملل متحد برای آزادی ناصر زرافشان، فعالین دانشجویی و دیگر زندانیان سیاسی در ایران استفاده کند. همچنین از دولت سوئد میخواهیم که از خواست ما مبنی بر ارسال یک هیئت بین المللی مستقل، متشکل از نمایندگان از وکلای بدون مرز و پزشکان بدون مرز و یا سازمان عفو بین الملل برای ملاقات و بررسی وضعیت زندانیان اعتصابی و دیگر زندانیان سیاسی در ایران حمایت کند.

وکلای بدون مرز _ جنبش همبستگی با دانشجویان ایران و ناصر زرافشان

استکهلم ۲۳ جولای ۲۰۰۴

خلاصه ای از مطالب ریگای که ل شماره ۳۱ مرداد ماه ۱۳۸۳

ریگای که ل شماره ۳۱ ارگان کمیته کردستان به زبان کردی منتشر شد.

خلاصه ای از مطالب این شماره از ریگای که ل را در زیر میخوانید.

۲۸ مرداد ، سالروز اعلام فتوای جهاد و وحشیگری علیه خلق ستمدیده کرد !

این مطلب به بررسی عوامل و زمینه های جنایت رژیم در ۲۸ مرداد سال ۱۳۵۸ در کردستان پرداخته و اینکه رژیم جمهوری اسلامی با قبضه قدرت بعد از قیام بهمین ۵۷ بمنظور آماده سازی هجوم به دستاوردهای دموکراتیک مردمی حاصل از قیام و محو این دستاوردها هجوم به کردستان و ترکمن صحرا را به عنوان اهداف نخست خویش برگزید و در این راه از هیچ جنایتی در حق خلق ستمدیده کرد فروگذار نکرد و در این راستا سعی در باز سازی و سازماندهی سیستم بوروکراتیک - نظامی داشت که در جریان قیام ۵۷ بشدت ضربه خورده بود + باشکست اولیه رژیم در کردستان ، حربه فتوا بر علیه گفار با تکیه بر توهمات و خرافه مذهبی توده ها رژیم توانست علیرغم نارضایتی های فراوان در بین افکار عمومی توده ها و بخصوص در میان پرسنل انقلابی و سربازان ، هجوم خود بر علیه خلق کرد را توسط ارتش سازمان دهد و با حمله نظامی به کردستان انقلابی تمامی حدود و مرزهای خیانت و آدمکشی را سبانه در نوردید . و همزمان و در هراس از همبستگی توده های مردم ایران با جنبش انقلابی در کردستان هجوم گسترده ای را بر علیه دستاوردهای دموکراتیک مردم ایران آغاز نمود . اما هجوم رژیم نیز با مقاومت سرسختانه توده ها مواجه شد که مرکز گرم و سوزان این مقاومت همانا کردستان بود . و این مقاومت آنچنان ریشه های خود را دوانیده است که اشغال دراز مدت و حتی دائمی کردستان قادر به سست کردن اراده خلقی نیست که عزم خویش را به محقق ساختن اهدافش جزم نموده است . و گواه این مدعا مقاومت عظیم و مبارزه پر از حماسه ۲۵ ساله این خلق ستمدیده بر علیه رژیم هار و درنده جمهوری اسلامی است .

مذاکره با آمریکا و طرح سازش و توافق جناحهای رژیم ؛

این مطلب مسئله مذاکرات پنهانی و آشکار رژیم و آمریکا را بررسی میکند و اینکه جناح خامنه ای با کنترل جناح خاتمی درصدد بدست گرفتن ابتکار عمل در مقابل جناح مقابل در جریان مذاکرات با آمریکا می باشد. در ادامه ، مقاله به بررسی عملکرد نظامی گرایانه آمریکا در جهان و خاورمیانه پرداخته و اینکه اجرای سیاستهای امپریالیستی آمریکا نتیجه ای جز فقر و فلاکت هر چه بیشتر ، چیز دیگری برای توده های مردم به ارمغان نخواهد آورد . با توجه به سابقه سرکوب جنبشهای آزادی بخش توسط امپریالیسم آمریکا و پشتیبانی آن از رژیمهای دیکتاتور و تروریستی ، هرگونه مخالفت با سیاستهای امپریالیسم آمریکا ، دفاع از تروریسم و حمله نظامی را بدنیال دارد . و در رابطه با ایران نیز رژیم حاکم بر ایران با دو بحران داخلی و بحران در روابط بین المللی در شرایط کنونی مواجه است . بحران در روابط خارجی آن نیز به جنگی باز می گردد که رئیس جمهور آمریکا به نفع انحصارات چند ملیتی آمریکا در منطقه و جهان براه انداخته و بحران داخلی نیز به جنبش و اعتراضات داخلی توده های تحت ستم و استثمار باز می گردد که سلطه ۲۵ ساله رژیم ارتجاعی سرمایه داری جمهوری اسلامی را بیش از این نخواهد پذیرفت . عمده تبلیغات امپریالیسم آمریکا نیز بمنظور انحراف جنبش توده ها و بخصوص جوانان به سوی سراب فریبنده کشورهای غربی است و این خطری است که نیروهای چپ و انقلابی میبایست با حضور فعال خویش در میان توده ها و جوانان آنها از خطرات چنین تبلیغاتی توسط امپریالیسم و عواملش آگاه سازند .

گسترش جنبش توده ای در کردستان و مشکلات پیشروی آن !

به بررسی جنبش توده ای در کردستان و نقاط ضعف و قوت آن پرداخته و اینکه میبایست نیروهای این جنبش با شناخت دقیق نقاط ضعف و پراکندگی آن به بر طرف آن همت گمارند و لازمه این امر تحلیل مشخص از شرایط مشخص و عملکرد در جهت تقویت رادیکالیسم درونی جنبش انقلابی خلق کرد است . در ادامه مقاله به حقیقت لزوم رهبری پیگیر و انقلابی طبقه کارگر بر جنبش انقلابی خلق کرد میپردازد و اینکه نقطه ضعف عمده جنبش نه تنها در مشخص کردن اهداف راستین جنبش خلق کرد ، بلکه درک محدود و تنگ نظرانه در ارتباط با محتوای مبارزه حال حاضر توده های زحمتکش و اهمیت آن میباشد. و اینکه رادیکالیسم درونی جنبش خلق کرد علیرغم وجود تمامی مشکلات ، بر سدهای پیشروی گسترش خویش غالب خواهد شد.

یادواره شهیدان سازمان در مرداد ماه و ادبیات انقلابی

مروری بر اطلاعیه ها و بیانیه های کمیته ایالتی کردستان سازمان در تیر ماه ۱۳۸۳ و همچنین چاپ ترجمه کردی اطلاعیه کمیته هماهنگی کارگران اخراجی و بیکار تهران و حومه را در صفحه ۷ نشریه ریگای که ل میخوانید .

کودنای نظامی ۲۸ مرداد سال ۱۳۳۲ و عوامل آن و وظایف دولت کودتا .

این مقاله به بررسی و تحلیل مختصری از رویداد ضد ملی کودنای ۲۸ مرداد سال ۳۲ می پردازد و اینکه این کودتا ناشی از توافقات و اتحاد عمل ارتجاع داخلی و امپریالیسم جهانی و بخصوص امپریالیستهای آمریکا و بریتانیا بر علیه حکومت دکتر ممدق به طور خاص و بر ضد جنبش انقلابی و ضد استعماری توده های ایران به طور عام بود . و در ادامه به جریان تضادهای سیاسی جهانی و استفاده دکتر ممدق از این تضادها به سود سیاست ملی کردن نفت میپردازد و همچنین به سیاست مرحله ای امپریالیسم آمریکا در قبال ملی کردن نفت و در قبال عملکرد امپریالیسم آمریکا در ایران به طور خلاصه در این مقاله بررسی شده است .

واژه های سیاسی

۲_ دیماگوزی برای اطلاع خوانندگان تشریح شده است .

دو واژه سیاسی ۱_ دگماتیسم و

نشریه په ره سیلکه به معنای (پرستو) ، ضمیمه ریگای که ل ویژه کودکان و نوجوانان ، دو شماره این نشریه تاکنون به چاپ رسیده . این نشریه در حال حاضر در ۴ صفحه به چاپ می رسد . مطالب شماره ۲ په ره سیلکه از این قرار است ؛

۱_ بخش اول از داستان پسرک لبو فروش نوشته صمد بهرنگی

۲_ معلومات عمومی

۳_ معرفی افراد مشهور جهان _ در این قسمت آهنگساز و خواننده انقلابی و نامدار جهان ویکتور خارا معرفی شده است .

۴_ شعر کودکان _ شعری از شاعر انقلابی و نامدار کرد ماموستا گوران .

زندانیان از بند رسته ایران: از مقاومت و اعتصاب غذای شجاعانه زندانیان سیاسی زندان اوین حمایت کنید!

حمایت (زندانیان سیاسی از بند رسته ایران) از مقاومت و اعتصاب غذای شجاعانه زندانیان سیاسی زندان اوین ایران این بزرگترین زندان! زندانیان سیاسی مبارز و مجاهد در شکنجه گاه اوین با اعتصاب غذای شجاعانه خود، ضمن اعتراض به ستم و سرکوب رژیم فاسد آخوندی، برسم همه اسیران دریند، پیام مقاومت و ندای آزادیخواهی خود را مظلومانه و البته پر طنین فریاد میکنند. از آنجا که هویت واقعی زندانیان سیاسی و هر انسان آگاه و آزادیخواهی اساساً با مقاومت هر چه بیشتر در مقابل ارتجاع حاکم و دفاع از آزادیها و آرمانهای اجتماعی تبلور و تجسم میابد، به همین دلیل این حرکت دلیرانه و فداکارانه زندانیان سیاسی و اعتصابی بند یک اوین، که حداقل دو تن از آنان در زیر حکم اعدام هم قرار دارند، مورد تقدیر و حمایت ییدرنخ همه نیروهای مترقی و بخصوص مردم دریند میهنمان در ایران این بزرگترین زندان، واقع گردیده و شایسته بسی درودهاست. ما زندانیان سیاسی از بند رسته، که سالیان متمادی در زندانها و شکنجه گاههای فاشیسم مذهبی حاکم بر ایران بسر برده ایم، در آستانه سالگرد قتل عام هزاران زندانی سیاسی مجاهد و مبارز خلق توسط جلادان حاکم در تابستان سال ۱۳۶۷ که هیچ جرمی جز دفاع از شرف انسانی، آرمان سیاسی و حقوق حقه خلق محبوبشان نداشتند، ضمن گرامیداشت یاد و راه آن جاودانه فروغها و قهرمانان در رنج، حمایت خود را از اعتصاب غذای زندانیان سیاسی زندان اوین به عنوان یک سنت دیرپای مبارزاتی در زندان، اعلام مینمائیم و به ملایان و دژخیمان حاکم هشدار میدهیم که دیر یا زود، شعله های مقاومت مردمی در سراسر مین اسیرمان این رژیم ضد بشری را در تمامیتش خاکستر خواهد کرد و در پرتو آن ایران زیباترین وطن خواهد شد.

زندانیان سیاسی از بند رسته ایران

فرشته رحمتی
رضا روستا
بهرام رضوانی
سیامک سیدپور
میترا سعیدی
آرش سپهری
امیر شجاعی
مریم شکوه عدوی
محمد صفا
اکبر صفری
احمدرضا عموزیدی
رسول فیوری
رضا فراهانی
فریبرز فروزان
کریم قاسمی
مجتبی قطبی
محمد کاظمی
عباس کرمانی
رضا گوهریان
کبری متین زاده
اکبر محمودی
رضا مردانی
نسرالله مردنی
محمد مقدس
نصرت ملکوتی
پرهام ملیحی
آفرین میرزا طاهری
زهره مینائی
شیرین نریمان
طاهره نصیری
فاطمه نیکنام
فلور همتی
جواد یاور
محمد یونسی

آدرس پست الکترونیکی برای بیان نظرات و پیوستن سایر زندانیان سیاسی به لیست حامیان این بیانیه:

zandanian_siasi@yahoo.com

حمید آقائی
مسعود ابراهیم نژاد
ناصر اسکندری
جهانگیر اندامی
همدم امامی
محمد علی بزرگزاده
مهدی بندار
رجیم بنگدار
همشین بهار
اعظم پاشا
مهدی توسلی
سهراب جوادیان
خسرو جویانی
سهیلا چرخکار
مصطفی حسینی
فرخ حیدری
محسن درویدیان
جمال ذاکری

اکبر رجبی

صفحه ۶

پیام شماره ۳ کمیته هماهنگی کارگران
اخراجی و بی کاران تهران و حومه

هموطنان! کارگران، دانشجویان! در شرایطی که اکنون در آن بسر میبریم و هر روزه قتل ذخیره کار و بی کاران در مملکت ما افزوده می شود و حتی آنانی که در کارگاهها و کارخانجات مختلف و ادارات مشغول به کار هستند نیز امید به تداوم کار خود ندارند و هر لحظه منتظر هستند تا با دلایل واهی از کار خود اخراج شده، به صفوف بی کاران بیبوندند و هیچگونه امنیت شغلی برای شاغلان نیز مهیا نیست و هیچ مرجعی نیز برای دادخواهی و پیگیری کار این افراد در مملکت وجود ندارد ما بر آن شدیم که تشکیلی از خود کارگران اخراج شده تشکیل و برای احقاق حقوق خود مبارزه نمائیم. رفقا و عزیزان، تا وقتی ما پراکنده هستیم و از حقوق خود بصورت پراکنده دفاع نمائیم راه به جایی نخواهیم برد. تجربه یکصد سال عدالت خواهی این را به ما می آموزد که تا دست در دست یکدیگر نداشته باشیم نه تنها براضی سرکوب خواهیم شد، بلکه صدای فریادمان نیز به گوش کسی نخواهد رسید.

این تجربه ها نه تنها در رژیمهای گذشته بلکه در این بیست و پنج ساله حکومت جمهوری اسلامی بخوبی مشهود و عیان است. دانشجویان تجربه سرکوب خونین ۱۸ تیر را فراموش نخواهند نمود. پرستاران و آموزگاران نیز به همچنین و حال وقت آن رسیده که حاصل این تجربیات را بکار بندیم و دست در دست یکدیگر به مبارزه علیه هرگونه ظلم و بی عدالتی و اخراج برخیزیم. دانشجویان و دانش آموزان! شما نیز فرادای پس از اتمام تحصیل به خیل ارتش بی کار خواهید پیوست. پس بیایید از هم اکنون دست در دست یکدیگر برای احقاق حقوقمان فریاد بر آوریم. داشتن کار از ابتدائی ترین حقوق انسانی ماست.

لذا برای تداوم مبارزه و هماهنگ بودن در مبارزه ما بر آن شدیم کمیته هماهنگی تشکیل و از کارگران اخراجی کارخانه ها و دفترخانه ها و تمامی کارگران و کارمندان مشمول و غیر مشمول بیمه تامین اجتماعی اعم از خصوصی و دولتی که به هر دلیل از کار خود اخراج شده و یا در آینده در معرض اخراج قرار دارند و همچنین خیل ارتش بی کار تمامی آنانی که پس از رسیدن به سن قانونی کار اعم از بی سواد یا بی سواد با هر مدرک تحصیلی از دانشجویان با مدرک تحصیلی از آموزش عالی گرفته تا به پانژن که به هر دلیل پس از طی سالها عمر هنوز قادر به استخدام شدن نگردیده و آنانی که به اجبار برای معاش خود مجبور به تن دادن به هر کاری مانند سیگار فروشی و مسافرکشی یا موتور و... از تمام این افراد دعوت به عمل می آوریم که به ما بیبوندند تا به اتفاق برای حقوق حقه خود به مبارزه برخیزیم. تمامی کارگران چه در کارگاههای کوچک چه بزرگ باید تحت پوشش بیمه تامین اجتماعی باشند. داشتن کاری با حقوق مناسب که حداقل بتواند معاش و مسکن یک خانواده ۵ نفری را تامین کند. بجای به کار گیری کودکان باید امکان تحصیل رایگان را برای آنان فراهم نمود.

کمیته هماهنگی تا برقراری عدالت اجتماعی و تحقق شعار کار مسکن آزادی به مبارزه خود علیه هر گونه بی عدالتی ادامه خواهد داد و در این راستا دست تمامی سازمانها و احزاب رادیکال و آنانی که در مبارزه خود در رابطه با منافع کارگران اهداف روشنی دارند و موضع روشنی اتخاذ نموده اند را به گرمی می فشارد کمیته با توجه به اینکه دانشجویان پس از مبارزات پیگیر خود با تمامی فرصت طلبهای داخل و فرصت طلبان موجود در اپوزیسیون مرزبندی نموده استقبال و همراه با آنان به استقبال سالگرد هجدهم تیر رفته و در تمامی مراسمها و اعتراضات آنان پیگیرانه شرکت خواهد نمود. کمیته هماهنگی به دانشجویان مرزبندی آنان را با سلطنت طلبان این سرکوبگران دیروز و بقیه در صفحه بعد

در آخرین لحات صفحه بندی نشریه، یبانیه شماره ۳ زندانیان اعتصابی به دستمان رسید که عیناً در اینجا برایتان چاپ می کنیم.

بیانیه شماره سه زندانیان اعتصابی اوین

اعتصاب غذای زندانیان سیاسی بند یک

زندان اوین به پایان رسید

هم میهنان! اعتصاب غذای زندانیان سیاسی بند یک زندان اوین که روز دوشنبه ۱۵ تیرماه سال ۸۳ و به منظور گرامیداشت خیزش تیر آغاز شده بود، یکشنبه ۴ مرداد ماه در پاسخ به درخواست تشکله و شخصیت های دموکراتیک داخل و خارج از کشور، از جمله دفتر تحکیم وحدت، جنبش همبستگی با دانشجویان ایران و ناصر زرافشان و وکلای بدون مرز و جنبش همبستگی پایان یافت. با شروع اعتصابات غذا و در شرایطی که هرگونه ارتباط ما با بیرون را قطع کرده بودند، در خارج از زندان با موجی از اکاذیب و تحریفات با این حرکت اعتصابی مقابله کردند تا آن را بی اثر سازند. از یک سو مسئولین رسمی یکسره آن را تکذیب کردند، از سوی دیگر در حالی که کلیه ارتباطات تلفنی زندان اوین با خارج قطع شده بود، یکی دو تن از زندانیان نادم که مدتهاست خود را در اختیار رژیم قرار داده اند ضمن تماس تلفنی از همین زندانیان با خارج، به سمپاشی علیه زندانیان اعتصابی پرداختند. گوئی میخواستند با این شیوه مطالبی را که مردم از زبان مسئولین رسمی اطلاعاتی نمی پذیرند، از زبان افراد دیگری به جامعه القا کنند که در اینباره در اطلاعیه های قبلی توضیح داده شد. از سوی دیگر انجمن نوظهوری که خود را انجمن دفاع از حقوق زندانیان مینامد و متولی امور زندانیان معرفی میکند، در اقدامی فرصت طلبانه با صدور بیانیه ای اعتصاب غذای زندانیان اوین را صنفی و غیر سیاسی تشخیص داده است. ما نمیدانیم آقای عمادالدین باقی که از سوی این انجمن اظهار نظر کرده است، این اطلاعات را از کجا آورده و چرا به خود حق داده است که به جای ما سخن بگوید. اما گمان میکنیم با این اظهار نظر به جای گزارش واقعیت، مصلحت طلبی ها و گرایشهای سیاسی خود را به نمایش گذارده اند. یکی از دستاوردهای عمومی هر حرکت اعتصابی (گذشته از هدف اعلام شده و مشخصی که به خاطر دستیابی به آن صورت میگیرد) محک خوردن عناصر و نیروهای حاضر در صحنه آن اعتصاب و شفاف شدن صف بندی هاست. اینبار نیز این حرکت اعتصابی طیف وسیعی از واکنشها را (از مطبوعات مدعی داخلی و موضع گیریها و اظهار نظرهای فرصت طلبانه پاره ای نیروهای مختلف سیاسی، و صد البته در برابر آنها، درگ هشیارانه و نجیبانه حمایت قاطع و قدرتمندانه تشکله، نهادها و شخصیتهای دموکراتیک و مردمی و وجدان های بیدار داخلی و خارجی که با ما همدردی و همراهی کردند و نیز رسانه های خبری که در جهت اطلاع رسانی و بازتاب واقعیت این حرکت همت گماردند، از بن جان سپاسگزاری میکنیم.

یکشنبه ۴ مرداد ۱۳۸۳

زندان اوین اعتصابی اوین

تکثیر: از جنبش همبستگی با دانشجویان ایران و ناصر زرافشان

پیام شماره ۳ کمیته هماهنگی...

مشکلات شدید جسمی و روحی کارگران نساجی کردستان

از سال گذشته این بیماران به مسئولان شرکت برای درمان معرفی شده اند اما هیچ اقدامی برای درمان این کارگران محروم نشده است. کارگران قصد دارند به سازمانهای بین المللی شکایت کنند. به گزارش ایلنا سوم مرداد ماه، «برخی کارفرمایان به دلیل هزینه های سنگین مداوای کارگران، نسبت به معرفی آنان به مراجع درمانی کوتاهی میکنند». ایرج بهرام نژاد، دبیر اجرایی خانه کارگران استان کردستان، با بیان این مطلب افزود: یکی از واحدهائی که کارگران آن از مشکلات شدید جسمی و روحی رنج میبرند و نسبت به بهبود وضعیت آنها اقدامی صورت نگرفته، شرکت نساجی کردستان است. وی گفت: طبق آخرین آمار موجود، ۹۶ نفر از کارگران این شرکت نساجی دچار امراض مختلف میباشند که از این تعداد ۸ نفر مبتلا به بیماری های قلبی و عروقی، ۳۰ نفر مبتلا به بیماریهای ارتوپدی، ۱۷ نفر دارای مشکلات مغزی و عصبی، ۳ نفر مبتلا به نارسائی های کلیوی و مجاری ادراری، ۱۸ نفر دچار مشکلات روانی، ۸ نفر دچار نارسائی های داخلی بوده و همچنین ۱۲ نفر از بیماریهای چشمی رنج میبرند. بهرام نژاد تصریح کرد: با توجه به این که مسئول بهداشت کارخانه در سال ۸۲ مراتب را طی نامه ای به مدیریت این شرکت اعلام داشته، نه تنها هیچ اقدامی در جهت معرفی کارگران به مراجع درمانی ذیربط صورت نگرفته است، بلکه پیگیری های خانه کارگر هم از جانب مسئولان این کارخانه مورد اعتراض قرار گرفته است. بهرام نژاد در خانه با ابراز تاسف از شرایط جسمی و روحی کارگران بیمار این شرکت گفت: خواسته ما این است که سریعاً بر اساس مفاد قانون کار، به وضع نابسامان و دردناک این کارگران بیمار رسیدگی شود چراکه در غیر این صورت مراتب را جهت اطلاع و اقدام مقتضی به سازمان های بین المللی بهداشت انتقال خواهیم داد.

گزارشات مربوط به پرونده قتل زهرا کاظمی

اعتراض دولت کانادا به نحوه برخورد با پرونده زهرا کاظمی به گزارش خبرگزاری فرانسه، «دولت کانادا روز یکشنبه از نحوه برخورد با پرونده زهرا کاظمی ابراز نارضایتی کرد. در بیانیه وزیر خارجه کانادا درباره دادگاه رسیدگی به قتل زهرا کاظمی آمده است: این دادگاه هیچ کاری برای دادن پاسخ به سؤالات اصلی درباره نحوه مرگ زهرا کاظمی و سپردن عاملان قتل او به دست عدالت نکرده است. وزیر امور خارجه کانادا در این باره می افزاید: کانادا بر پافشاری خود بر اجرای عدالت ادامه میدهد. روند بررسی پرونده زهرا کاظمی باید هم شفاف باشد و هم معتبر. کانادا در حال بررسی گزینه های دیگر در برخورد با این پرونده است. پیشتر دولت کانادا در اعتراض به همین موضوع سفیر خود را از تهران فرا خوانده بود».

جمهوری اسلامی با تهدید ارجاع به دادگاه بین المللی و تحریم روبرو میشود

به گزارش خبرگزاری فرانسه، «بعد از اینکه قوه قضائیه ایران تنها متهم به قتل زهرا کاظمی را بیگناه شناخت و او را تبرئه کرد، رژیم تهران با تهدید ارجاع به دادگاه بین المللی و تحریم از سوی دولت کانادا مواجه میشود. قوه قضائیه گفت مامور وزارت اطلاعات که به اتهام قتل زهرا کاظمی محاکمه میشد بیگناه شناخته شده است و گفت اتهام قتل وی به اثبات نرسیده است و قادر به یافتن قاتل هم نیست. از آنجائیکه محکومیت به اتهام قتل وجود ندارد دولت ایران دستور داده است که مبلغی به عنوان خون بها به خانواده کاظمی پرداخت شود. یک مقام عالی رتبه وزارت خارجه کانادا به خبرگزاری فرانسه گفت این بسیار باعث ناخرسندی است. وی گفت دولت کانادا به بقیه در صفحه بعد

بقیه از صفحه قبل

تمامی فرصت طلبان امروز را تبریک و تهنیت عرض مینماید. کمیته هماهنگی از هرگونه اعتراض توسط کارگران کارخانجات مختلف حمایت نموده و آنان را برای همبستگی و اعتراضات یکپارچه و هماهنگ با دیگر کارخانه ها و صنایع و تشکل بی کاران و اخراج شده ها فرا میخواند. کمیته خواهان از تمامی حرکات و اعتراضات آموزگاران و پرستاران حمایت نموده و از آنان درخواست می نماید که برای عبور از پراکندگی مبارزات خود دست یاری کمیته را بفشارند. ما برای عبور از پراکندگی باید با دیگر تشکیلات ارتباط گرفته و هرگونه اعتراض را هماهنگ نمائیم و مطمئناً مبارزات متشکل به سر منزل مقصود خواهد رسید. چون کمیته فعالیتشکلی نیمه مخفی است لذا برای تماس با ما به آدرس پست الکترونیکی زیر مراجعه نمائید:

Komite_kargaran_ekhrabi@yahoo.com

خبرها

قتل دانشجوی همدانی در سالگرد قتل زیبا کاظمی

حالا اگر دلتان میخواهد بدانید که رافت اسلامی یعنی چه به احوال ناصر تاج الدینی دانشجوی سال سوم مکانیک دانشگاه همدان دقت کنید که از دو سال پیش در زندان بود و به شهادت همه کسانی که در این مدت در زندان بودند از بهترین آدمهای زندان بود و به کار همه میرسید و از جمله در زمان زندان آغاچری تنها کسی بود که بدون ترس از مامورین که گاهی او را به قتل تهدید میکردند، شبها پیش دکتر آغاچری میخواند که خطری وی را تهدید نکند و یکبار هم توسط لاتی که هم اتاق آغاچری شده بود تا نزدیکی مرگ رفت اما دست برنداشت. هفته گذشته وقتی آمدند و زندانیان را جمع کردند تا از آنها بخواهند که به مناسبت سفر آقای خامنه ای به همدان دسته جمعی نامه ای بنویسند و تقاضای عفو کنند تا آزاد شوند، این ناصر بود که فرزند شهید هم هست و از زندانیان دانشجو خواسته بود که از امضای هر نوشته ای خودداری کنند و بگویند باید از آنان اعاده حیثیت شود تا از زندان بیرون بروند. به دنبال این داستان ناصر را شبانه گرفتند و به سلول انفرادی انداخته اند و هر بلائی که بیشتر از آن ممکن نیست بر سرش آوردند و بعد هم او ناپدید شد. بله ناپدید شد. حالا گفته میشود که ناصر کشته شده و جسد او را به جائی دور برده اند. اما وحشتناکتر آنکه مادر ناصر که همسر و هم یکی از فرزندانش شهید شده مامور شده است که در مسجد جامع در برابر آقا نطقی ایراد کند به عنوان نماینده خانواده شهدا. به پیرزن بیچاره که جز اینهم پرسی ندارد وعده داده اند که اگر اشک آقا در در بیاورد آقا هم از امام زمان خواهد خواست و بچه او پیدا میشود. مادر ناصر تاج الدینی همان زنی است که سیمای جمهوری اسلامی نشان داد که با دست رو به خدا میخواست که همه همدانیها را فدای قدم آقا کند. اما در آستانه سفر خامنه ای به همدان، مردم و به ویژه جوانان این شهر شبها عکسهای تبلیغاتی وی را که بر در و دیوار نصب شده پاره میکنند. گزارشهای دریافتی حاکیست که نیروی انتظامی برای حفاظت از این عکسها و پلاکتهای در طول شبها نگهبانانی گمارده و نقاط نصب عکسها را کنترل میکنند. با این همه جوانان دلیر همدان در چند مورد عکسهای خامنه ای را از روی دیوارها کنده و پاره کرده اند.

ز نیمروز

تسلیمیت !

یاد رفیق فرهاد گرامی باد !

کدامین دل کند باور

کدامین ضربه اش افکند!

هنوز از غم فراغ رفیق از دست رفته مان مسیح اله راستی نرسیده بودیم که خبر جانکاه دیگری از دیار غربت رسید. خبر کوتاه و دردناک بود. فرهاد دیگر در میان ما نیست. فرهاد آن چهره همیشه خندان بند، او در سختترین شرایط بند نهراسید و حتی برای لحظه ای لبخند از لبانش دور نشد. او در نوجوانی مدت پنج سال از عمرش را در بند گذراند اما هرگز تسلیم نشد. بعد از آزادی مجبور به مهاجرت شد اما هرگز باز نایستاد. نام مستعار حیدر را به یاد جانباخته حیدر زاغی برگزید و همچون او تا به آخر ایستاد. اما فرهادی که در شدیدترین برخوردهای زندانبانان از پای در نیامد در تبعید که خود محصول این رژیم جهل و جنایت است بر او چه گذشت که خود را به مرگ تسلیم کرد! یاد و خاطره فرهاد همیشه در ذهنمان جاری است.

ما اعضای کمیته ولایتی کرج این مصیبت را به خانواده وی در ایران و خواهران و برادرانش در خارج و تمامی همزمان راه کارگری وی تسلیم میگوئیم و خود را در فقدان این عزیز غمبار میبینیم.

یادش گرامی باد

کمیته کرج



نشریه جهان کمونیستی هر پانزده روز یکبار زیر نظر هیات سیاسی و با مسئولیت رفقای نامبرده در زیر منتشر میشود.

تحریریه:

نظام ص.

کلثوم س.

مصطفی ح.

بهرام ص.

مسئول اجرائی نشریه بهرام ص.

نشانی های تماس با اتحاد فدائیان کمونیست

www.fedayi.org

شورای مرکزی

centralconcil@fedayi.org

هیات سیاسی

politburo@fedayi.org

نشریه جهان کمونیستی

jahan@fedayi.org

کمیته کردستان

kurdistan@fedayi.org

کمیته آذربایجان و دفتر نشریه دان اولدوزو

azer@fedayi.org Azerbaijan committe

امور پناهندگی

panahjo@fedayi.org

آدرس پستی

Postfach 10 12 43 44712 Bochum
Germany

موبایل ۰۰۴۹۱۷۵۷۴۹۵۴۴۵ تلفن و فاکس ۰۰۴۹۲۲۱۳۱۰۷۵۹۳

فاکس اتحاد فدائیان کمونیست

+ (۴۶) ۳۱۷۷۹۲۵۷۱

خبرها

بقیه از صفحه قبل

بررسی تمامی گزینه های ممکن میپردازد اما نظر کلی ما این است که به هر حال رژیم ایران باید تحریم شود. این منبع که نخواست هویتش فاش شود گفت گام بعدی میتواند کاهش دائمی سطح ارتباط با ایران باشد.

مباحثه رئیس سازمان خبرنگاران برای آزادی بیان در کانادا با سی ان ان آرنولد آمیر رئیس سازمان خبرنگاران برای آزادی بیان در کانادا طی یک گفتگو با سی ان ان در خصوص تصمیم دادگاه بررسی قتل زهرا کاظمی در تهران که متهم را تبرئه کرد، اظهار داشت: زمان آن فرا رسیده که کانادا در مورد این موضوع چه میگویند.

آرنولد آمیر: دولت کانادا میگوید روز یکشنبه در این رابطه بیانه خواهد داد. حدس میزدیم حتی زودتر این بیانه صادر شود چون این تصمیم خارج از انتظار بود. همه علائم حاکی از این بود که این دادگاهی کامل با استانداردهای دموکراتیک نبوده است. در روز دوم دادگاه تمام ناظران بین المللی را از دادگاه اخراج کردند، وکلای مدافع خانواده کاظمی گفتند فردی که در دادگاه متحاکمه میشود متهم اصلی نیست. ولی فکر میکنم سؤال اصلی این خواهد بود که کانادا چگونه در اعتراض به این بی عدالتی برخورد خواهد کرد. همانطور که میدانید کانادا سفير خودش را اول هفته از ایران فرا خوانده است و الان فکر میکنم که زمان آن فرا رسیده که کانادا اقدام به تحریم بر علیه ایران کند. سؤال: آیا فشاری هم از طرف مردم وجود دارد مثلاً بگویند که دیپلماتهای ایرانی را از کانادا اخراج کنند. بله تظاهرات های مختلفی در مونترال و دیگر شهرها برگزار شده است و سازمانها و گروهها نخ تنها گروههای حقوق بشری بلکه جامعه خبرنگاران خواهان موضع گیری صریح دولت کانادا هستند.

سرنگون باد رژیم جمهوری اسلامی، زنده باد سوسیالیسم